

23 Ekim 2016

«أنزل الميت في القبر»، ونحو ذلك.
واستعملوه بمعنى خروج المني من الإنسان،
سواء كان في يقظة أو نوم، بجماع أو استمنا
أو احتلام، كما سيأتي بيانه.

مرهونة بما إذا كان محلّ الدين بعيداً يتأخّر
عن الولادة، أمّا لو كان متقدماً عليها فقال:
«فيه قولان» ولم يرجح.

لكن خالفه جملة من الفقهاء وقالوا بعدم
جوازه، منهم: العلامة^(١)، والشهيدان^(٢)، وصاحب
الجواهر^(٣).

الأحكام:

ذكر الفقهاء: أنّ الجنابة تحصل بسببين:

- ١- الإنزال.
- ٢- الجماع، ولو لم يكن مقروناً بالإنزال.
والكلام فعلاً في الأوّل، فنقول:
صرّح الفقهاء: بأنّ الإنزال - وهو خروج المني -
موجب للجنابة، سواء كان في حال النوم أو اليقظة،
في حال الاختيار أو الاضطرار، وسواء كان بالوطء أو
بغيره من الاستمنا أو الاحتلام، اقترن بالشهوة أو لا.
هذا كلّ مع العلم بكون الخارج منياً.
وأما مع الشكّ في ذلك، فإن كان الإنزال
مقترناً بالدفق والفتور والشهوة، فهو منيٌّ.
وهل يجب اجتماع الصفات الثلاث؟ أو يكفي
بعضها؟ فيه خلاف^(١).

والمعروف: أنّ المرأة تنزل كالرجل^(٢)، وتدلّ

مظانّ البحث:

١- كتاب المتاجر: آداب التجارة / النهي

عن بيع عسيب الفحل.

٢- كتاب الإجارة: شروط المنفعة.

٣- كتاب الغصب: تصرفات الغاصب.

إنزال

لغة:

مصدر أنزل الشيء، بمعنى جعله ينزل،
والنزول: انحطاط وهبوط من علو^(٤).

اصطلاحاً:

استعمله الفقهاء بمعناه اللغوي، مثل قولهم:

- = (الإصهاني)، والمعجم الوسيط: «نزل».
- (١) انظر: المدارك: ١: ٢٦٥ - ٢٦٧، والحداثق: ٣: ١٤ - ١٧، والجواهر: ٣: ٣ - ١٣، والعروة الوثقى: كتاب الطهارة، فصل في غسل الجنابة، والمستمسك: ٣: ٧ - ١٥، والتنقيح (الطهارة): ٥: ٣٠٥ - ٣١٨.
 - (٢) انظر المصادر المتقدمة.

(١) انظر التحرير: ٢: ٥٠٠.

(٢) انظر: الدروس: ٣: ٣٩٨، والمسالك: ٤: ٤٨.

(٣) انظر الجواهر: ٢٥: ١٩٨.

(٤) انظر: معجم مفردات ألفاظ القرآن (للاراغب) =

تنزلات القرآن الكريم

Nirgul
140650

د. محمد أحمد عبد العزيز الجمل (*)

28 Mart 2017

MADE YANILANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

(*) أستاذ مساعد بقسم أصول الدين، كلية الشريعة والدراسات الإسلامية، جامعة اليرموك، المملكة الأردنية الهاشمية.

191-238



D163

مَجَلَّةُ الشَّرِيعَةِ وَالْإِسْلَامِ

فصلية علمية محكمة تصدر عن مجلس النشر العلمي بجامعة الكويت
تُعنى بالبحوث والدراسات الإسلامية

شوال: ١٤٣٣ هـ
سبتمبر: ٢٠١٢ م

السنة: السابعة والعشرون
العدد: التسعون

28 Mayıs 2017

140650
Mügel

السياق وأثره في الحكم
على أسباب التزير
(دراسة نظرية وتطبيقية)

د. سليمان علي عامر الشعيبي (*)

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



D163

مَجَلَّةُ الشَّرْعِ وَالْأَدَبِ الْإِسْلَامِيِّ

فصلية علمية محكمة تصدر عن مجلس النشر العلمي بجامعة الكويت
تُعنى بالبحوث والدراسات الإسلامية

شوال: ١٤٣٣ هـ
سبتمبر: ٢٠١٢ م

السنة: السابعة والعشرون
العدد: التسعون

(*) أستاذ مساعد بقسم العلوم الإسلامية، كلية التربية، جامعة السلطان قابوس، سلطنة عُمان.

ÖZTÜRK, Mustafa. *Nuzül of the Qur'ân and the question of nuzül order. İlahiyat Studies: a Journal on Islamic and Religious Studies*, 6 ii (2015) pp. 181-218. Addresses issues related to the arrangement of the qur'ânic text according to its presumed chronology of revelation.

Nizül
140650

22 Ekim 2017

KARDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

21 Kasım 2017

881 RUBIN, Uri. Muhammad's message in Mecca: *Nizw*
warnings, signs, and miracles. *The Cambridge*
companion to Muhammad. Ed. Jonathan E. *140650*
Brockopp. New York: Cambridge University Press,
2010, pp. 39-60.

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

1413 MIR-KASIMOV, Orkhan. The word of descent and
the word of ascent in the spectrum of the sacred texts
in Islam. *Controverses sur les écritures canoniques
de l'islam*. Sous la dir. de Daniel de Smet et
Mohammad Ali Amir-Moezzi. Paris: Cerf, 2014,
pp. 329-372. With reference to prophetic revelation
and authoritative hermeneutics.

1413
140650

30 Nisan 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

1150 ÖZTÜRK, Mustafa. *Nuzûl* of the Qur'ân and the question of *nuzûl* order. *Ilahiyat Studies: a Journal on Islamic and Religious Studies*, 6 ii (2015) pp. 181-218. Addresses issues related to the arrangement of the qur'ânic text according to its presumed chronology of revelation.

Alî 2018
140650

30 Nisan 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
A GELEN DOKÜMAN

اختران فروزان خوانسار، حمید رضا میرمحمدی؛ تذکره شعری خوانسار، یوسف بخش؛ فرهنگ جامع نام‌ها و آبادیهای کهن اصفهان، محمّد مهریار؛ نیک‌لا بصر (جلد اول)، سید مهدی ابن الرضا؛ مناهج المعارف، یا اصول عقاید شیعه، سید ابوالقاسم موسوی جعفری، به اهتمام سید احمد روضاتی؛ مشاهیر مزار علامه ابوالمعالی کلباسی، علی کرباسی زاده اصفهانی؛ فرزندان خوانسار، احمد رضا کشوری؛ ماهنامه ویدئو ماهواره (فرهنگی، هنری و تفریحی)، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، سید مصلح الدین مهدوی، جلد دوم، حمید رضا میر محمدی

قوس نزول و صعود، این اصطلاح ظاهراً ابتدا در مکتب نوافلاطونی، که مکتبی عرفانی و فلسفی بود، به کار رفته است. به عقیده فلوطین، بنیانگذار این مکتب، از واحد، مبدأ اول، که کامل و فیاض است، عقل اول صادر می‌شود. عقل اول خود مصدر نیز هست و از وی نفس یا روح صادر می‌شود. کل عالم با واسطه این اقانیم سه گانه بوجود می‌آیند. عالم جسمانی، کمترین پرتو ذات احدیت و پائین ترین درجه تجلی او است. وجود را در سیر مراتب و تنزلات می‌توان به قوس تشبیه کرد که بدان قوس نزولی گویند. در مقابل این حرکت در قوس نزول حرکت دیگری هست که حرکت رجعی است و آن میل بازگشت به مبدأ اول، واحد، در اثر معرفت است و بدان «قوس صعود» گویند (مقدمهٔ تفحات الانس جامی، ۸۷ و بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، ۱۰۷۱۲).

در اسلام این اصطلاح از سوی پیروان ابن عربی به ویژه در گلشن راز شیخ محمود شبستری مطرح و تبیین می‌شود. از دیدگاه این عرفا اساس هستی بر وحدت استوار است و هیچ تعددی در آن حقیقت واحد و مطلق نیست مگر به اعتبار و نسبت و اضافه بر اساس اصل نزول و تنزّل ذات حق، در عین وحدت در مراتب و عوالم گوناگون هستی ظهور می‌یابد (عرفان نظری، ۳۳۳).

تجلی حق در عوالم گوناگون مستمر و لایتناهی بوده و مشتمل بر فیض اقدس و فیض مقدّس است که با نزول وجودی حق به مراتب پایین تر هستی صورت می‌گیرد. این عوالم را عرفاً با نامهای مختلف خوانده‌اند که عموماً به حضرات خمس تعبیر می‌شوند حضرت غیب مطلق یا حضرت ذات حضرت عقول یا الوهیت، حضرت ارواح، حضرت مثال یا خیال و حضرت حس یا مشاهده. در این حضرات و منازل ظهور و اظهار، که خداوند در لباس اسماء و صفات ظهور یافته است، آنچه در حضرت ارفع قرار دارد در حضرت انزل منعکس می‌شود. گاه اشیاء در یکی از

قُودَجَانِي آَشَنِي، حاج شیخ نورالدین (م ۱۳۵۷ ش)، فرزند حاج شیخ محمد حسین قودجانی، متولد ۱۲۸۲ ش (۱۳۲۱ ق). در آبادی «آشن» دَهَق دیده به جهان گشود، و در خانواده علم و اجتهاد و بیت فضیلت و اخلاق نُشُو و نما یافت. مرحوم قودجانی علاوه بر بهره‌های فراوانی که از محضر پدرشان برد، از محضر اساتیدی همچون حضرات آیات: سید محمّد باقر دزجه‌ای، شیخ محمّد رضا نجفی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، و به ویژه در سطح و ادبیات از محضر استاد جلال الدین همائی بهره برد و سپس از حوزه علمیه اصفهان به قُم مهاجرت نمود و از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی موفق به کسب اجازه اجتهاد گردید. مرحوم سید مصلح الدین مهدوی، در تاریخ اجتماعی اصفهان، در خصوص ایشان می‌نویسد: حاج شیخ نورالدین قودجانی، با اینکه از چهره‌های ممتاز علمی در دوران معاصر به شمار می‌رفت، توجه خاصی به منبر و خطابه نشان می‌داد، کاری که برخی از آقایان علماء آن را کسر شأن یک عالم فاضل و ملای محقق می‌دانستند. شاید از همین رو، یا به خاطر عوامل دیگری بود که شأن و مقام علمی حاج آقا نورالدین، حتی در نزد بسیاری از اهل علم و کمال نیز مجهول بود. آقا نورالدین در حوزه‌های متعدّد علمیه اصفهان، همچون صدر بازار، چهارباغ، مسجد نوبازار، و حتی در منزل شخصی خویش تدریس می‌نمود. از آثار علمی ایشان می‌توان به ۲۰ رساله در تفسیر قرآن اشاره نمود. سایر آثار علمی ایشان عبارتند از: احکام قرآن؛ رساله قُوز فیضی؛ رساله اصول دین؛ رساله امروز و فردا؛ رساله‌ای مشتمل بر موضوعات متنوع فقهی، کلامی، اخلاقی و چگمی؛ رساله در ردّ تئسبهاات وارده بر مهدویت؛ رساله پندنامه‌های اخلاقی به فرزندان؛ رساله دانش بشر؛ نفس و روح انسانی؛ رساله جهان دانش و حیات زندگی؛ رساله در عالم مثال؛ رساله در عالم ارواح؛ حواشی بر حاشیه اسفار الاربعه ملاصدرا؛ حاشیه بر شرح منظومه سبزواری؛ حاشیه بر شرح اسماء الحسنی سبزواری؛ رساله نکات و خاطرات؛ رساله نوروز یا روز نوز؛ مکاتبات مؤلف و یادداشت‌های شخصی مؤلف؛ نگارش مقدمه کتاب روش خوشبختی بانو مجتهده امین؛ مجموعه اشعار.

سرانجام مرحوم قودجانی بر اثر نارسایی قلبی در سال ۱۳۹۶ ق (۱۳۵۷ ش) دارفانی را وداع گفت و پس از نماز آیت الله دهکردی بر جنازه وی، در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد اصفهان، مجاور قبر پدر بزرگوارش دفن گردید.

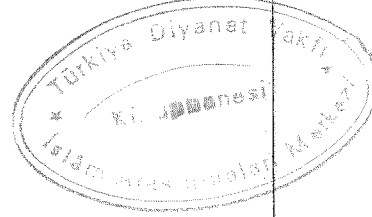
منابع: فرهنگ آبادیهای کشور ایران ایران، ج ۵۹، گلپایگان، سال ۱۳۶۱ ش؛ جغرافیای خوانسار، حمیدرضا میرمحمدی، جلد اول و دوم؛

E/-Akademiyeye, sy.29, 2012 Rabat. 293-320.

140650

D1282

نزول القرآن الكريم وتدرّجه في التربية والتشريع



الحسين ونگاگ

القرآن الكريم كتاب الله ووحيه المنزل على عبده خاتم النبيين والمرسلين محمد بن عبد الله، صلوات الله وسلامه عليه، ارتضاه الله لعباده، وأمرهم بتطبيق أوامره وتنفيذ أحكامه، فهو الهدى للمسترشدين، والمعين للمستعنين والنور للمستبصرين، اعتبره المستكبرون خطرا عليهم فحاربوه، حفظه الله من التحريف والزيغ، ومنع عنه أهل البدع والأهواء، وسخر له من يعمل في سبيله ويخدم علومه وآياته، فانبرى لذلك العلماء في كل عصر حتى وصل إلينا بنصه المنزل على رسول الله ﷺ، رغم المعرضين والمشككين تصديقا لقوله عز وجل ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾، (الحجر، 9).

ومن أهم المواضيع المهمة من علوم القرآن، موضوع نزوله الذي هو أهمها جميعا، لأن العلم بنزوله أساس للإيمان بالقرآن وأنه كلام الله، وأساس

والولايات المتحدة وأوروبا للحصول على أكبر مستوى في الذكاء الاصطناعي. ومما يأمله الباحثون أن يخلقوا للكمبيوتر مشاعر ووجدانا و«لاشعورا» وما تحت الشعور حتى تكون ردود الفعل عنده كردود الفعل عند الإنسان.

140650

NÜZÛL

-
- 1 İSMAİL AZMİ ALTUNBAŞ, Kur'an'ın oluşum süreci (Tencimü'l-Kur'an), Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2011
 - 2 OSMAN KAYA, Kur'an'ın Nüzulu sürecinde müslümanlarla diğer dini gruplar arasındaki ilişkilerin Kur'an'a yansması, Ankara Üniversitesi, Doktora, 2004

20 Eylül 2014

- 202 MUQRĀNĪ, 'Adnān al-. L'expérience religieuse et le texte: de la première a la seconde descente (*tanzīl*). Tr. Renaud, Étienne. *Études Arabes: Dossiers*, 109 (2012) pp.32-59. Mainly on the Qur'ān. Text in both Arabic & French. Originally published in Arabic in *Qadāyā Islāmīyah Mu'āsirah* 47-48 2011, pp.4-29.

Müzül:
140650

Nuzul

IFS

Malatî, et-Tenbihis. 103-108
112.

179 WILD, S. "We have sent down to thee the book with the truth ...": spatial and temporal implications of the Qur'anic concepts of nuzûl, tanzîl, and 'inzâl. *The Qur'an as text*. Ed. S. Wild. Leiden: Brill, 1996 (Islamic Philosophy, Theology and Sciences: Texts and Studies, XXVII), pp.137-153

27 KASIM 1993

كيف نزل القرآن. محسن الأراكي. (رسالة القرآن، العدد الاول، 140650
NÜZUL (IFS) محرم- صفر- ربيع الاول 1411).

22 OCAK 1995

Kur'an
نزل القرآن

Tefsir

- Kur'an

Suat Yıldırım

• Kur'an Tencimi'nin Eğitici Özelliği

1990 Nisan s. 5-8.

Yeni Ümit

26 NISAN 1993

Fikri Yasin

Mecellestül-Ezher, XXII, 203-209

~~ALLAH~~ NÜZÜL
Nuzul-u ilahî

es. Şa'rânî, el-Yavâkit, s. 101

Esbâbü'l-Kur'an, GI, 415
nuzul

25 MALLIK 1998

KUR'AN

- Nuzulün sona ermesi -

956.3012
HUD. M

Tarihül Ümmet İslamiyye-I, 157

Kur'an (nuzûl)

Râzî, Tefsir, IV, 84-

1000 ANKARA 96

نزول القرآن الكريم
أسباب النزول

(49)

المقبول من أسباب النزول/ أبو عمر نداء بن محمود حسن
الأزهرى. - ط 1. - [د. م. د. ن. 1997] (القاهرة: مطبعة الأمانة)

ص 733 : 24 سم.

يشتمل على إرجاعات ببليوجرافية (ص 728 - 730)

223.6

86692-86691 ب

~~Nuzul~~
- AVÂLİ
- SENED

YÜCEL,

Ahmet "Senedde Uluvor - Nuzul ve Avâililer", Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi,
(Danışman : Prof. Dr. Salih Tuğ), Marmara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü,
1986, 65 S.

inzâl

İbn Teymiyye, Mecmûn Fetâvâ,
C. XII, s. 118

297.55/TEY.M

Nuzûl

Muhsin el-Amili, Keşf-ü İftihâb,
S. 487-488

Nüzûlul-Kur'ân

İbn Teymiyye, Mecmûn Fetâvâ,
C. XII, s. 246

297.55/TEY.M

Nuzûl

İbn Ebî Asım, K. Sünne, I, 216
225.

Nüzûl (Kur'an'ın inmesi)
(Hillî'ye göre)

Henry Laoust
La Critique du Sunnisme ...
S. 54

Hillî, Cemaluddîn Hasenî Poşetinde

Nuzûl

İbn Huzeyme, K. Tevhid,
S. 126-136

Nüzûl

Ebu Bekr eş-Şeybânî
Kitabu's-Sünne, I/216
223

Nüzûl

Mer'î b-Yusuf
Ehâvil, s. 196

Nüzûl (İbn Hicâm'ın söylesine ~~de~~ kan
kennâr kaynak aslı kaynak ^{da})

أسير الزبير
الدراسات اللاهوتية في السيرة النبوية لابن حجر
S. 258-262

İbn Hicâm Poşetinde

Nüzûl

Salski, Seyf, s. 90

Nüzûl

Seffârîni, Levâmi,
I, 242 - 250

18 MART 1991

Nüzul

21 OCAK 1993

(Kur'an'ın nüzulü ilmi)

el-Muhim indel-Arab, 52 -

D. B. 5791

مجلة
كلية الآداب
والعلوم الإنسانية
بفاس

عدد خاص
دراسات في تاريخ المغرب

شعبة التاريخ عدد خاص 2 سنة 1985 - 1406

سهر على إنجاز هذا العدد
الخاص أساتذة شعبة التاريخ

المملكة المغربية

جامعة سيدي محمد بن عبد الله

مجلة كلية الآداب والعلوم الإنسانية
بفاس

تصدر مرتين كل سنة

المدير : عميد الكلية الأستاذ
عبد الوهاب التازي سعود
رئيس التحرير : الأستاذ جمال الدين العلوي

أعضاء هيئة التحرير
الأساتذة

عبد السلام المراس أحمد بوشرب
عبد العلي بنهيلة بوطيب الطاك
محمد العلمي عبد الجليل حلیم
أحمد أكواو محمد خلاف

صندوق البريد : 50 - فاس

- تعبر المقالات والأبحاث عن آراء
أصحابها ولا ترد المقالات إلى أصحابها
نشرت أم لم تنشر.

مطبعة النجاشي الجديدة
الطرابلس

رقم الايداع بالخزانة العامة 1978 / 20

- el-Cevahirul-muhlana (K. Pögel)
- Zayyāti, Ebu Faris Abdilaziz b. Hasan Melidi (K. Pögel)

بعض النوازل من كتاب
«الجواهر المختارة» للزياتي

محمد مزين

1 - التعريف بالخطوط :

أ - عنوان الكتاب : الكتاب الذي اخذت منه هذه النوازل هو مخطوط «الجواهر المختارة فيما لقيته من النوازل بجبال غمارة» أو «الجواهر المختارة فيما وقفت عليه من النوازل بجبال غمارة» لصاحبه ابي فارس عبد العزيز بن الحسن مهدي الزياتي.

والتسمية الثانية مأخوذة من مقدمة الكتاب حيث ذكر ناسخه ان صاحب الكتاب قال : «هذا تقييد قصدت فيه جمع ما وقفت عليه من فتاوي فقهائنا المتأخرين ...» (1) و اضاف : «وسميت الجواهر المختارة مما وقفت عليه من النوازل بجبال غمارة».

وقد يذكر الكتاب في الفهارس بهذه التسمية او تلك، ولا يفرق اصحاب هذه الفهارس بين التسميتين لانهما تفيان نفس المعنى وتوديان نفس الغرض الا وهو اظهار نوعية هذا المكتوب ومحتواه : فهو كتاب للنوازل حشد فيه أبو فارس كل ما وجده من فتاوي وقضايا في تقييده، وهو تلميذ لحاله سيدي محمد العربي الفاسي، أو في تقييد استاذه المذكور، أو ما اخذه عن صاحب المعيار ... أو كما يقول في مقدمة كتابه «قصدت فيه جمع ما وقفت عليه من فتاوي فقهائنا المتأخرين من اهل الحضرة الفاسية وغيرهم ... حسبما وجدته في الغالب في بطائق مجموعة عند بعض الفضل الخزين وربما اضيفت اليها اجوبة من النوازل التي جمعها الامام الونشريسي رحمه الله

في لشبونة، 5 أكتوبر 1560، وحرره (منويل كورديرو)

(و 71 و) يقول (فرانسيشكو باياوو) الحبيس بالسفن الحربية التي تحمي ساحل الغرب، ان المحققين حكموا عليه بعشر سنوات من النفي إلى السفن الحربية، وذلك لاقترافه جريمة الاتجار مع المورسكيين (كذا) وتزويدهم بالسلع المحرم بيعها، ونقل المورسكيين اليهم. وما أن محرر هذا الطلب قد قضى في منفاه خمس سنوات واقترب من الستة، وما أنه ندم كثيرا على ما اقترفه من خطايا، وما أنه توصل بما يستحقه من عقاب، ونظرا لكونه متزوج وذو أولاد يعانون من الجوع ولكونه انفق كل ما يملكه، فانه يرجو من سموكم، ويتوسل اليكم بسيدنا المسيح ان تعفوا عنه، وان تعفوه مما تبقى من سنوات لكي لاتعاني زوجته وابناؤه أكثر، ولكي لا يبقون بدون عون.

ورقة 71 ظ بيضاء

ورقة 72 و مصاريف المحاكمة.

Juquição de Lisboa, Processo nº 167

جدل العقل والنقل

في مناهج التفكير الإسلامي

في الفكر القديم



دار الثقافة

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No	28405
Tasnif No	297.4 I KET. C



دار الثقافة

للنشر والتوزيع
34-32 شارع فيكتور هيكو - ص.ب. 4038
الهاتف 30.23.75 - 30.76.44
157 شارع لاجيروند - الهاتف 24.79.32
تليكس 22602 - الدار البيضاء

1992-1412

Tennis (497-595)

28 ARALIK 1995

أو قابلاً للقضية ونقيضها على سبيل تكافؤ الأدلة بالنسبة لهذه أو تلك، أو قابلاً لأكثر من تأويل.

وهكذا يجادل العقل النقل إما في منحج الإثبات، وإما في طبيعة القضية نفسها بعد إثباتها، وإما في تأويلها إذا كانت قضية لغوية أي نصاً من النصوص، وهذه المناحي هي ما سنتناوله بتفصيل في مجالات شغلت الفكر الإسلامي خلال عصوره الأولى، وأنتج الخلاف حولها مذاهب في العقيدة والفقه والتشريع والسياسة والأخلاق.

التنزيل والتأويل

112 KASIM 1992

140650 - Nüzul
110994 - Kıraat

39 — Kur'an-ı Kerim'in nüzûlü ve kıraati. Kur'ân-ı Kerim'in in-
diği yedi harf ve okunduğu yedi kıraat (*)

İsmail KARAÇAM

Tezi Yön.: Prof. Dr. Salih TUĞ

Kabul Tarihi: 19.1.1984

Giriş ile birinci bölümde, arap dili hakkında geniş bilgi ve-
rilerek Kur'an-ı Kerim'in yedi harf üzerine inme konusu işlen-
mekte, yedi harf ile ilgili hadisler ve yedi harf ile ilgili ihtilâflar
incelenmektedir.

İkinci bölümde, yedi kıraat Kur'an-ı Kerim'in ezberlenme-
si şeklindeki cem'i ve yazılması yönünden toplanması incelenmek-
tedir. Üçüncü bölümde ise kıraat ilminin tarihçesi, kıraat alimle-
ri arasında iki tarik, kıraat çeşitleri, kıraat ilmi ile ilgili eserler,
yedi imam ve râvileri ile genel kaideler ele alınmaktadır.

011102-el-Ahrufü's-
Seb'a

424
✓

Marmara Üniversitesi 1982-1986 Tez Özetleri

Har. Mwallâ Zeren, s. 53, 1987-İstanbul.

Doktora Tezi.

Nüfus

* التنجيم * TENCİM

* انتهى عنه -

مج - ك ٢٢ ب ٢٨

حم - أول ص ٧٨ و ٢٢٧ و ٣١١

WENSINCK AREN JEAN, MİFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE.

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 183

KISALTMALAR:

DIA DM NO: 04160.

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، تس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مي = سنن
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن
هشام، قد = مغازي الواقدي

04 EKİM 1994

﴿ كَتَبَ أَنْزَلَهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا
آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴾

التفسير الحديث

ترتيب السور حسب النزول

تأليف
محمد عزة دروزة
(١٣٠٥ - ١٤٠٤ هـ) (١٨٨٧ - ١٩٨٤ م)

الجزء الأول

الطبعة الثانية

طبعة جريدة منقحة بنظر المؤلف ومزينة
بالمقدمة "القرآن الكريم" كتبتة للفتوى

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	82004
Tas. No:	297.211 DER.T


دار الفرب الإنشاي

١٣٨١-١٣٨٣ هـ.
١٩٦١-١٩٦٤ م.

- Sûre

- Nözet

15 TEMMUZ 2002

2bs.
1421/2000

1. Tenzil
2. Nüzul (140650)
3. Esbabü'n-nüzul

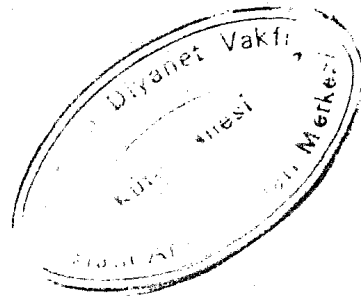
Edited by Stefan WILD

THE QUR'AN AS TEXT.

Leiden-1996, s. 13 -153.

DN: 42279.

1996 EKİM



28 OCAK 1997

“WE HAVE SENT DOWN TO THEE THE BOOK WITH
THE TRUTH ...”

*Spatial and temporal implications of the Qur'anic concepts of nuzūl,
tanzīl, and 'inzāl*

STEFAN WILD

The importance of the Qur'an for Muslims and Islam is tantamount to the importance of the person of Jesus Christ for Christians and Christianity. It has been rightly observed that the Christian concept of incarnation corresponds to what one might call “illibration” in Islam.¹ In Christianity, the divine *logos* becomes man. In Islam, God's word becomes text, a text to be recited in Arabic and to be read as an Arabic book. One can go even further and compare the Christian dogma that Christ was born of the virgin Mary with the Muslim concept of the *'ummiyya* of the prophet Muhammad. There was no human father for Jesus, and there was no written text taken down by man which might have influenced the prophet Muhammad. Anselm of Canterbury asked with scholastic audacity the famous question *Cur Deus Homo?*—“Why did God become Man?” This approach finds its parallel in Muslim theology, which investigated the *'asbāb an-nuzūl*, a term which is usually translated as the “reasons of revelation.” The word *nuzūl* is not Qur'anic, but the concepts of “coming down” and “sending down” are vital for a correct understanding of the Qur'anic hermeneutics of God's speaking to man. The translation “revelation” for the Arabic word *nuzūl* is as inevitable as it is problematic. The Christian term “revelation” (Latin *revelatio*, Greek *apokalypsis*) is a metaphor meaning something like “unveiling”; the word “epiphany” (*epiphaneia*) means “becoming visible, manifestation.”² God unveils himself as it were, to become visible and audible for mankind, to reveal Himself. This concept is foreign to the Qur'an and to Islam.

Neither the Qur'an nor Muslim theology ever calls God's speak-

¹ See Harry Wolfson, *The Philosophy of Kalam*, in Annemarie Schimmel, *Mystische Dimensionen des Islam. Die Geschichte des Sufitums*, München 1993, 50.

² Cf. Siegfried Wiedenhofer s.v. “Offenbarung,” in P. Eicher, ed., *Neues Handbuch theologischer Grundbegriffe*, vol. 4, München 1991, 98-115.

BU SAYIDA

17 EYLÜL 1998

- Hadis Rivayetinde "Uluv-Nuzûl"
Meselesi ve Hadiscilerin "Uluv"
Tutkusu **3** Prof. Dr. Mücteba UĞUR
- Toplumu Islahta Kur'ân'ın
Öngördüğü Bazı İlkeler **23** Dr. Muhittin AKGÜL
- Hız İbrahim ile Hz. Muhammed
Arasındaki Derunî Bağ **41** Prof. Dr. Hüseyin ALGÜL
- "Türkçe İbadet" Meselesi **51** Dr. Halil ALTUNTAŞ
- Şâtibi'de Eğitimin Unsurları **71** Dr. Recai DOĞAN
- Diyanet İşleri Başkanlığı
Kronolojisi **99** Dr. Mehmet BULUT
- İslâm ve Hoşgörü **115** Prof. Dr. Beyza BİLGİN

HADİS RİVAYETİNDE "ULUV-NUZÛL" MESELESİ VE HADİSCİLERİN "ULUV" TUTKUSU

Prof. Dr. Mücteba UĞUR

Ankara Üniv. İlahiyat Fak. Öğretim Üyesi

Hz. Peygamber (s.a.s.)^a inanıp tabi olarak çevresini oluşturan sahâbîler, ondan İslâm'ın iki esasını devraldılar: Kur'ân-ı Kerîm ve Sünnet. Kuşkusuz, Kur'ân-ı Kerîm asıl idi. Sünnet ise onu açıklıyor; hükümlerini uygulama yollarını gösteriyordu. Bununla birlikte İslâmî hayatın kurallarını belirliyor; sınırlarını çiziyordu. Gerek kişisel, gerekse toplumsal hayat için ilkeler ve prensipler koymasının yanında ölçüler getiriyordu.

İnen Kur'ân-ı Kerîm ayetlerinin tebliğ edilmesiyle birlikte açıklanması ve hükümlerini uygulama alanına konulması, öğrenilmesi ve öğretilmesi, hepsi de belli bir süreç içinde ve merhalelerden geçilerek gerçekleştirildi. Bu merhalelerin ilk basamaklarında dikkat çeken bir olgu vardı. Sahâbîlerin hepsi inen Kur'ân-ı Kerîm ayetlerini tedricî bir şekilde öğreniyorlardı. Herhangi bir hüküm taşıyan ayetleri ise Allah Resûlü (s.a.s.)'nin açıklamaları doğrultusunda öğrendikleri gibi onun uyguladığı şekilde hayata geçiriyorlardı. Meşhur Tâbi'î Ebu Abdîrahmân Abdullah b. Hubeyb es-Sulemî (öl. 85?/704) şu sözleriyle bu olguya işaret etmiştir: "...Sahâbîler Hz. Peygamber (s.a.s.)'den on kadar ayet öğrendikleri zaman, o ayetlerdeki ilmi ve ameli iyice bellemeden geçmiyorlardı. "Bizler, Kur'ân-ı Kerîm'i, ilmi ve ameli birlikte öğrendik" diyorlardı⁽¹⁾.

Kur'ân-ı Kerîm tebliğ ve beyanının bu merhalesinde eklenmesi gereken önemli bir husus daha vardır. O da şudur: Sahâbîlerin hepsi, gayet tabii olarak, her zaman, her yerde devamlı bir şekilde Hz. Peygamber (s.a.s.) ile birlikte deydiler. Do-

(1) Dr. M. Muhammed Ebu Şehbe, el-Medhal li-Dirâseti'l-Kur'âni'l-Kerîm'den naklen, Dr. M. Accâc el-Hafîb, es-Sunne Kable't-Tedvîn, Kahire 1383/1963, s. 58.

DİYANET İLMİ DERGİ

CİLT: 34 • SAYI: 1
OCAK - ŞUBAT - MART 1998

Diyanet İşleri Başkanlığı Adına
Sahibi

Abdullah CEYHAN

Dini Yayınlar Dairesi Başkanı

Sorumlu Yazı İşleri Müdürü
Gaffar TETİK
(Süreli Yayınlar Şubesi Müdürü)

Mali İşler ve Dağıtım Sorumlusu
Salim GÜNEY
(Döner Sermaye İşletme Müdürü)

Yayına Hazırlayanlar
Dr. Mehmet BULUT - Alaattin KOÇAK

İDARE YERİ

Diyanet İşleri Başkanlığı
Süreli Yayınlar Şubesi Müdürlüğü
Dr. Mediha Eldem Sokak No: 35
06420 Kızılay - ANKARA
Tel: (0.312) 435 52 73 (3 Hat)
Fax: (0.312) 432 45 88
Internet: <http://www.diyamet.gov.tr>

ABONE İŞLERİ

Tel: (0.312) 435 75 51/ 107
Dergimize gönderilen yazılar Din İşleri Yüksek Kurulu Kararıyla yayınlanır. Kurulca yazılarda düzeltme ve kısaltmalar yapılabilir. Gönderilen yazılar yayınlanmasın, yayınlanmasın iade edilmez. Yayınlanan yazılara telif ücreti ödenir.

ABONE ŞARTLARI

Yurtiçi: Yıllık abone bedeli 900.000 TL. (KDV Dahil). Yurtdışı: Yıllık ABD 15 \$ / Kanada 15 CAD / Almanya 25 DM / Hollanda 25 NLG / İsviçre 25

CHF / Fransa 100 FRF / Belçika 575 BEF / Avusturya 200 ATS / İsveç, Norveç, Danimarka, 130 DKK / Ötekiler için Alman Markı esas alınır. Abone kaydı için, ücretin Döner Sermaye İşletme Müdürlüğü'nün T.C. Ziraat Bankası, Akay Şubesindeki 30423/112807 No'lu hesabına yatırılması ve makbuzun fotokopisi ile abonemin hangi sayıdan başlayacağını bildirir mektubun, "Diyanet İşleri Başkanlığı Döner Sermaye İşletme Müdürlüğü Kocatepe/ANKARA" adresine gönderilmesi gerekir.

YAPIM-ÜRETİM

Recep & Fatih KAYA
Tel: (0.312) 432 54 48

BASKI

EMEL MATBAACILIK LTD.ŞTİ.
Tel: (0.312) 418 34 96
Fax: (0.312) 425 78 09

ترتيب نزول القرآن

أ. د. محمد علي الحسن

أستاذ التفسير وعلوم القرآن
كلية الدراسات الإسلامية والعربية - دبي

إن الحديث عن نزول القرآن متعدد الجوانب والاتجاهات. وقد استهل المؤلفون - القدامى والمحدثون - الحديث عنه في مؤلفاتهم في علوم القرآن لأن العلم بنزول القرآن متقدم على سائر العلوم الأخرى. وهو سابق بالضرورة سبق أصالة ووجود على حد تعبير أحد العلماء، لذا جاء السيوطي في مقدمة الأبحاث والأنواع، وقد حذا حذوه الشيخ الزرقاني في مناهله، وغزلان في بيانه، وأبو شهبه في مدخله، وتعددت جوانب هذا النزول. ما نزل بمكة وما نزل بالمدينة. أسباب النزول. كيفية النزول. نزوله على سبعة أحرف. ترتيب النزول، وغير ذلك من مستلزمات النزول زماناً ومكاناً وأحوالاً.. وقد قامت نظريات في كل جانب، ولكن بقي الحديث صعباً على الترتيب الزمني للنزول، فمنذ عهد عثمان بن عفان وهذا الموضوع موضع أخذ ورد، فقد ساق السيوطي رواية عن علي بن أبي طالب أنه رتب مصحفه حسب النزول، فقام عثمان وأمره بحرقه، وسأله رواية أخرى عن التابعين، فقد روى أن محمد بن سيرين سأل عكرمة عن جمع القرآن وترتيبه القرآن حسب نزوله، قال « فقلت لعكرمة: أفوه كما أنزل، الأول فالأول، قال: لو اجتمعت الإنس والجن على أن يؤلفوه ذلك الترتيب ما استطاعوا»^(١).

فالأمر صعب المنال، وقد جزم صاحب الظلال بتعذر ذلك فقال «إن الترتيب الزمني للنزول يمكن القطع فيه بشيء، ولا يكاد الإنسان يجد فيه شيئاً مستيقناً إلا في آيات معدودات تتواءم بشأنها الروايات»^(٢).

أو على حد تعبير أحد المؤلفين^(٣)، فدون ذلك خرط القتاد..

ويمضي صاحب الظلال قائلاً «وعلى كل ما في محاولة تتبع آيات القرآن وسوره وفق الترتيب

(١) هو الأستاذ إبراهيم خايبة رئيس قسم التفسير في كلية أصول الدين بجامعة الأزهر.

(٢) في ظلال القرآن سورة الأنفال ص ١٤٢٩ ط الشروق جدة.

(٣) النقان ج ١ / ٢٠٢.

أواصر العلاقة بين المؤمنين، وتعزز وحدتهم.

إن اتباع هذا الأسلوب مما ساعد على تركيز الأوضاع في مجتمع المدينة تحسباً لأي طارئ قد يحصل. وفي هذا المعنى يقول محمد حسين هيكل: ولكن العمل السياسي الجليل حقاً، والذي يدل على أعظم اقتدار، ذلك ما وصل إليه محمد من تحقيق وحدة يثرب، ووضع نظامها السياسي»^(١).

إن التأمل في هذه الخطوات، والاسترشاد بهديها كفيلاً بأن يعطي للمسلمين في كل زمان وضوح الرؤية في مواجهة ظروف الهجرة والرحيل عن الأوطان التي أصبحت سمة في عصر استضعاف أبناء الأمة الإسلامية.

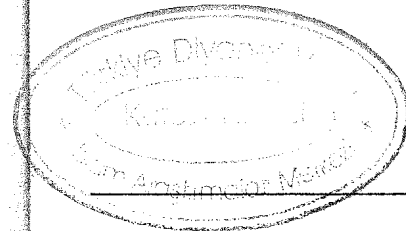
وبعد، فقد ظهر لنا مما تقدم، أن مأساة النزوح واللجوء «الهجرة»، مما عرفته الشريعة الإسلامية من خلال منهجها الفكري، وفي واقع مسيرتها العملية. وأن الإسلام قد أوقع في خلد أتباعه أن الهجرة ومفارقة الأهل والدار من الأمور التي ينبغي أن يوطن من نذر نفسه للقيام بتبعات هذا الدين، وتصدي لحمل رسالته في العالمين.

كما تبين لنا أن الشريعة الإسلامية. وترتيباً منها على ما سبق. قد زوّدت أمة المسلمين على مرّ الأجيال بالمناعة العقيدية، وبالصلابة الإيمانية التي تكفل امتصاص وقع صدمة الهجرة، واستيعاب قساوة نتائجها. كما وضحت أمام المسلمين خطة عملية، وتشريعاً مرناً يمكن من اتخاذ كل التدابير في ظل روح التعاون والتكافل التي تسود علاقة المسلمين فيما بينهم.

وإن اعتصام المسلمين بعقيدتهم، وترسمهم خطى شرعهم هو وحده الكفيل بتغليبهم على جميع أزماتهم ما طرأ منها، وما تكرر.

والحمد لله رب العالمين

٥ 4 8 1



تصدير

لفضيلة الدكتور عبد الحليم محمود
الأمين العام للمجمع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين ، والصلاة والسلام على رسوله محمد الأمين .

وبعد :

فهذا أحد كتب المؤتمر الرابع لمجمع البحوث الإسلامية ، الذي انعقد بالقاهرة من أجل مؤازرة الكفاح ضد إسرائيل ، في الفترة ما بين ٤ من رجب ١٣٨٨ هـ ، الموافق ٢٧ من سبتمبر ١٩٦٨ ، و ٢ من شعبان ١٣٨٨ هـ ، الموافق ٢٤ من أكتوبر ١٩٦٨ ، تقدمه جماهير المسلمين في أنحاء العالم وللباحثين منهم في الشؤون الإسلامية ، مؤكدين لهم العزم على مواصلة السير الجاد نحو تحقيق رسالة المجمع بإذن الله تعالى .

وإذا كان لنا أن نشعر بشيء من الغبطة لاتصال اللقاء ، وتوثق الروابط بين المجمع والشعوب الإسلامية في مختلف أنحاء العالم كما يظهر لنا ذلك في شتى أنحاء العلاقات القائمة بينه وبينهم ، فإننا نشعر فوق ذلك بأن الظروف التي فيها ومن أجلها انعقد هذا المؤتمر ، وصدر هذا الكتاب ، تجعلنا ندرك أن هذا الأمر لم يعد تنسع له أطر اللقاءات العادية في المؤتمرات أو القراءات المتأنيبة في الكتب ، أو المشاعر المتعقلة بين الضبطة وغيرها من أحوال النفوس .

إن الظروف التي فيها ومن أجلها انعقد هذا المؤتمر وصدر هذا الكتاب تعالت في مداها الخطير عن المستويات العادية للكلم المؤلف ، وجرفت في تصاعدها الأليم أجدات النفوس الخاملة وأتت في تلاطم أمواجها الهادرة على أعشاش النظريات المزورة .

إن هذه الظروف الغنية عن الإيضاح بالكلام ، لأنها واقع يعيشه الآن كل مسلم ، ولا يكاد يهرب عنه في لحظة من لحظات وعيه : إذ في صراره وخز مستمر ، وفي محنته أرق دائم قد امتحن الله بها المجتمعات الإسلامية في واقعها الراهن ، إذ سلط عليها لفتتها التي طالت ، أخلاطا من شعوب الأرض ،

139907

مجمع البحوث الإسلامية
مكتبة القاهرة

الأزهرة
مجمع البحوث الإسلامية

كتاب مؤتمري
الرابع لمجمع
البحوث الإسلامية

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	139907
Tas. No:	29702 MÜT.M

رجب ١٣٨٨ هـ
سبتمبر ١٩٦٨ م

Kahire [Baskı Tarihi yolu]

1. Tenzil
2. Nüzul (140650)
3. Esbabü'n-nüzul

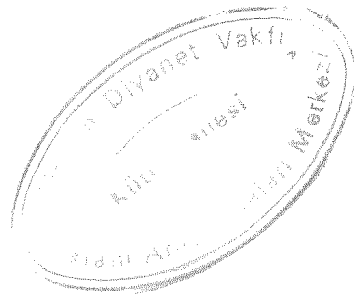
Edited by Stefan WILD

THE QUR'AN AS TEXT.

Leiden-1996, s. 13 -153.

DN: 42279.

02 EKİM 1996



“WE HAVE SENT DOWN TO THEE THE BOOK WITH
THE TRUTH . . .”

*Spatial and temporal implications of the Qur'anic concepts of nuzūl,
tanzil, and 'inzāl*

STEFAN WILD

The importance of the Qur'an for Muslims and Islam is tantamount to the importance of the person of Jesus Christ for Christians and Christianity. It has been rightly observed that the Christian concept of incarnation corresponds to what one might call “illibration” in Islam.¹ In Christianity, the divine *logos* becomes man. In Islam, God's word becomes text, a text to be recited in Arabic and to be read as an Arabic book. One can go even further and compare the Christian dogma that Christ was born of the virgin Mary with the Muslim concept of the *'ummiyya* of the prophet Muhammad. There was no human father for Jesus, and there was no written text taken down by man which might have influenced the prophet Muhammad. Anselm of Canterbury asked with scholastic audacity the famous question *Cur Deus Homo?*—“Why did God become Man?” This approach finds its parallel in Muslim theology, which investigated the *'asbāb an-nuzūl*, a term which is usually translated as the “reasons of revelation.” The word *nuzūl* is not Qur'anic, but the concepts of “coming down” and “sending down” are vital for a correct understanding of the Qur'anic hermeneutics of God's speaking to man. The translation “revelation” for the Arabic word *nuzūl* is as inevitable as it is problematic. The Christian term “revelation” (Latin *revelatio*, Greek *apokalypsis*) is a metaphor meaning something like “unveiling”; the word “epiphany” (*epiphaneia*) means “becoming visible, manifestation.”² God unveils himself as it were, to become visible and audible for mankind, to reveal Himself. This concept is foreign to the Qur'an and to Islam.

Neither the Qur'an nor Muslim theology ever calls God's speak-

¹ See Harry Wolfson, *The Philosophy of Kalam*, in Annemarie Schimmel, *Mystische Dimensionen des Islam. Die Geschichte des Sufitums*, München 1993, 50.

² Cf. Siegfried Wiedenhofer s.v. “Offenbarung,” in P. Eicher, ed., *Neues Handbuch theologischer Grundbegriffe*, vol. 4, München 1991, 98–115.

تنزیل

۲۷۵

مفسران و قرآن پژوهان (ابوحنیفه غرناطی، ج ۲، ص ۳۷۸؛ ابن عاشور، ج ۳، ص ۱۴۸؛ طیب، ج ۳، ص ۱۰۱؛ مهدوی راد، ص ۳۲) هر یک از مفاهیم انزال و تنزیل به دو معنای نزول دفعی و تدریجی به کار می‌روند و، از نظر معنا، با یکدیگر تفاوتی ندارند. بنا بر نظر صالحی نجف‌آبادی (ص ۷۵)، انزال و تنزیل هر دو به معنای مطلق «نازل کردن» هستند و نزول دفعی یا تدریجی جزو مفهوم هیچکدام نیست. در بیشتر تفاسیر و کتابهای حدیثی واژه تنزیل به معنای «قرآن و کلام‌الله» با بسامد بسیاری به کار می‌رود، گاهی نیز در مفهوم خصوصیات زمان و مناسبات تاریخی عصر نزول آیات کاربرد دارد؛ ازینرو، مفسران تحت عنوان تنزیل به نقل و بررسی شأن نزول آیات می‌پردازند (عمید زنجانی، ص ۱۴۰).

به نظر می‌رسد که در سده‌های اولیه اسلامی واژه تنزیل مترادف واژه تفسیر در توضیح و شرح آیات قرآن به کار می‌رفته است و بعدها بتدریج مفسران از استعمال واژه تنزیل خودداری کرده و برای تبیین آیات فقط از واژه تفسیر استفاده کرده‌اند. در برخی روایات، واژه تنزیل در برابر تأویل آمده و این دو واژه به معنای ظاهر و باطن به کار رفته‌اند (برای نمونه - حرّ عاملی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ مجلسی، ج ۹۲، ص ۹۷؛ حویزی، ج ۴، ص ۴۱۷). بر این اساس، فهم این حدیث مشهور نبوی نیز آسان می‌شود: «از میان شما کسی است که بر اساس تأویل قرآن پیکار می‌کند، چنانکه من بر اساس تنزیل آن قتال کردم و او علی‌بن ابی طالب است» (مجلسی، ج ۳۲، ص ۲۴۳، ۳۰۹، ج ۴۰، ص ۹۴؛ ج ۸۹، ص ۹۶ و در منابع حدیثی عامه - ابن‌حنبل، ج ۳، ص ۳۳، ۸۲؛ حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۳). گویا با نظر به مضمون این حدیث بوده که عمار یاسر (یا عبدالله بن رواحه) در جنگ صفین چنین رجز می‌خوانده: «نَحْنُ ضَرَبْنَاكَ عَلَى تَنْزِيلِهِ / فَالْيَوْمَ نَضْرِبُكَ عَلَى تَأْوِيلِهِ» (نصرین مزاحم، ص ۴۶۸؛ مسعودی، ج ۳، ص ۱۲۹؛ ابن‌حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۳۸۳-۳۸۴). همچنین روایات بسیاری در منابع شیعی نقل شده که مضمون آنها تطبیق آیات قرآن بر اهل بیت پیامبر اکرم است و گاه از این تطبیق با عنوان تنزیل یاد شده است (برای نمونه‌هایی از این احادیث - کلینی، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۳۶؛ مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۶۷). بر پایه این احادیث، اساساً برخی آیات از آغاز درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده که این همان تنزیل است؛ در برابر تأویل، که عبارت است از تطبیق آیات بر آنها در دوره‌های بعد. فهم صحیح معنای تأویل و کاربرد نسبتاً فراوان آن برای درک درست مفهوم تنزیل لازم است (برای برخی موارد کاربرد این دو اصطلاح قرآنی در برابر هم - تأویل، بخش ۲: کاربرد قرآنی).

قرآن کریم دارای قوسی نزولی و قوسی صعودی است؛

Eliade, New York 1987, s.v. "Tengri" (by Jean-Paul Roux); Maḥmūd b. Ḥusayn Kāshgharī, *Divānū Lūgat-it-Türk Tercūmesi*, tr. Besim Atalay, Ankara 1985-1986.

/ ایرج پروشانی /

تنزیل، واژه‌ای قرآنی. تنزیل در لغت به معنای فرو فرستادن، فرود آوردن، ترتیب دادن و به ترتیب فرو فرستادن است (جوهری؛ ابن‌فارس؛ ابن‌منظور، ذیل «نزل»؛ نیز - دهنخدا، ذیل واژه) و همچنین به معنای مطلق وحی و قرآن مجید (دهنخدا، همانجا) به کار می‌رود.

این واژه پانزده بار در قرآن کریم به کار رفته (عبدالباقی، ذیل واژه) که شش مورد آن (یس: ۵؛ شعراء: ۱۹۲؛ فصلت: ۴۲؛ واقعه: ۸۰؛ حاقه: ۴۳) در اشاره به قرآن کریم یا توصیف آن است. موارد دیگر نیز - بجز یک مورد (فرقان: ۲۵) که درباره فرود آمدن فرشتگان است - با قرآن ارتباط دارد. واژه تنزیل در همه کاربردهای قرآنی، ضمن آیات یا در کنار آیاتی آمده که در آن از عظمت و اهمیت کتاب (قرآن) و انذار و بشارت سخن رفته است (ع حجتی، ص ۲۳۵). این واژه در چهار سوره (مؤمن، فصلت، جاثیه و احقاف) از هفت سوره حوامیم دقیقاً پس از حروف مقطعه ختم آمده است و این کاربرد به یکی از مضامین مشترک این گروه از سوره‌ها، یعنی خاستگاه و مبدأ وحی و چگونگی نزول قرآن، اشاره دارد (جوادی آملی، ج ۳، ص ۲۸، ج ۴، ص ۲۴۸). در آیات قرآن، برای گزارش و تبیین چگونگی نزول قرآن کریم، هم واژه انزال و هم واژه تنزیل به کار رفته است. دامغانی (ص ۱۸۷-۱۸۸) برای انزال و تنزیل در قرآن سه وجه معنایی ذکر کرده است: سخن (زمر: ۱)؛ آفریدن (حدید: ۲۵)؛ باریدن باران (ق: ۹)؛ بیان کردن (اسراء: ۱۰۶)؛ فرود آوردن (مؤمن: ۲۹)؛ ثواب (فصلت: ۳۲)؛ فرستادن (سجده: ۱۴)؛ وسعت دادن روزی (شوری: ۲۷) و تعلیم (شعراء: ۱۹۲-۱۹۴).

بسیاری از مفسران و قرآن‌پوهان عقیده دارند که انزال به معنای نزول دفعی قرآن است و تنزیل به معنای نزول تدریجی آن (راغب اصفهانی، ذیل «نَزَلَ»؛ فیروز آبادی، ج ۵، ص ۴۰؛ طباطبائی، ج ۲، ص ۱۵؛ نیز - جرجانی، ص ۹۳). بنابراین دو گونه نزول برای قرآن قائل شده‌اند: نزول یکباره در شب قدر، و نزول تدریجی در طول دوره رسالت (طبری، ج ۱۵، ص ۱۱۹؛ طبری، ج ۱۰، ص ۷۸۶؛ ابن‌کثیر، ج ۱، ص ۳۳۷؛ زرکشی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ سیوطی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۵۳-۲۵۴). اما بر اساس برخی آیات (برای نمونه - بقره: ۲۲؛ فرقان: ۳۲؛ نحل: ۴۴) و دیدگاههای برخی واژه‌شناسان و ادیبان (جوهری، ذیل «نزل»؛ قیومی، ج ۴، ص ۳۵۸) و نیز آرای برخی

نزول القرآن الكريم وأسرار تنجيّمه
نور الدين عتر*

Abstract

This article tries to examine the secrets circumstancing the revelation in parts of the Holy Koran. Furthermore, it tries to examine the secrets of its *tanjim* which is often taken for granted as a matter of conviction among Muslims that before its revelation was and still preserved in the Holy Text in Heaven (allawḥ al-mahfouz).

The author also explores some aspects of the matter which had been obscure to some learned sages. Thus the Holy Koran was revealed in parts to show the great wisdom in language, education, morals and sublimity.

ملخص

يجلونا هذا البحث عن عظمة القرآن الكريم، وفخامة شأنه في العوالم العالي، حيث سجل في اللوح المحفوظ، ثم في بيت العز من السماء الدنيا، قبل تنزيله نجومياً على قلب النبي صلى الله عليه وسلم، كما عرفنا منه تحقيق أول ما نزل وأخر ما نزل بالدلائل الجلية الواضحة، وأمثلة من الأوائل والأواخر النسبية التي اشتبهت على بعض أهل العلم بالأولية والأخيرة المطلقة. كذلك تبيننا من البحث نزول القرآن منجماً حكماً جلية في الإعجاز والتربية والدعوة نقفوا أثرها في تهذيب النفوس، وفي تربيتها والتسامي بها.

* أستاذ التفسير وعلوم القرآن والحديث والمصطلح في كليات الشريعة والآداب بجامعة دمشق وحلب.

نجف اشرف حمل نموده و در بقعه جلایریان به خاک سپردند (← بقعه جلایریان *دائرة المعارف الشيعية*، ۳۳۲/۳). سید محسن امین عاملی قریب به همین مضمون به نقل از *تذکرات الذهب* ابن عماد و *الضوء اللامع* سخاوی به شرح حال وی پرداخته و می‌نویسد ایلخانیه همگی از شیعیان امامیه بودند و بقعه آنها که شامل مقابر این سلسله است در صحن مطهر نجف اشرف قرار دارد چنانچه تفصیل آن در شرح حال اویس و احمد بن اویس گذشت.

منابع: *اعلام النساء*، ۱۷۹/۱؛ *اعیان الشيعية*، ۶۴۵/۳؛ *تراجم اعلام النساء*، ۳۸۱/۱؛ *ریاحین الشریعة*، ۳۶۳/۳؛ *تذکرات الذهب فی اخبار من ذهب*، ۱۵۵/۷؛ *الضوء اللامع*، ۱۶۱/۱۲؛ *خیرات حسان*، ۱۶۰/۱؛ *تذکره الخواتین*، ۷۵. شهیدی صالحی

Tanzil

تَنْزِيلٌ، نزل ینزل نزولاً به معنی فرود آمدن و فرود آوردن چیزی از بالا به پایین است، هم در موارد حسی که دارای جهت‌اند، مانند *أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً*، هم در موارد معنوی که مراد از بالا علومنزلی است، و از پایین هبوط منزلتی، که فقر و احتیاج ملازم آن است و هر چند در اثر نزول و افاضه از مرتبه بالا، آن فقر و احتیاج با درجات متفاوت جبران شود. آلوسی گوید انزال در لغت به معنی ایواء یعنی جا دادن و پناه دادن است و آن مجاز است، از تحریک الشیءِ مِنَ الْعُلُوِّ إِلَى السُّفْلِ (تفسیر روح المعانی، ۱۱۱/۱۹). از ماده نزل در قرآن مجید ۲۷۲ اشتقاق آمده که می‌توان با جمع بندی آنها در معانی مشترک ده معنی اصطلاحی یا مجازی از آنها استخراج نمود: (۱) به معنی ورود: «فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ» (الصافات، ۱۷۷)؛ (۲) قول: «وَمَنْ قَالَ سَأْتِئُوكُمْ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (الانعام، ۹۳)؛ (۳) خلق: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید، ۲۵) اما ممکن است به معنی فرود آمدن این فلز باشد در وقت جدا شدن زمین از خورشید؛ (۴) مره و دفعه: «وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى» (النجم، ۱۳)؛ (۵) بیان: «وَوَهَّابُ نَزْلَانَا تَنْزِيلًا» (الاسراء، ۱۰۶)؛ (۶) ثواب: «أَذَلَّكَ خَيْرٌ نَزْلًا» (صافات، ۶۲)؛ (۷) ممکن است به معنی ماحضر و غذای سر سفره باشد: «هَذَا نَزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ» (الواقعه، ۵۶)؛ (۸) ارسال: «وَقَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَكًا» (فضلت، ۱۴)؛ (۹) وحی: در غالب موارد «انزلنا الیک» یعنی او حینا الیک. زیرا انزال و تنزیل بر بیغمبر جز بصورت وحی سراغ نداریم؛ (۱۰) تنزیل در مقابل تأویل، تنزیل به معنی مرادالله از قرآن، و تأویل به معنی منحرف ساختن معنی آیه از مرادالله. چنانچه عمار یاسر در جنگ صفین رجز می‌خواند و می‌گفت:

نَحْنُ ضَرَبْنَاكُمْ عَلَي تَنْزِيلِهِ

وَالْيَوْمَ نَضْرِبُكُمْ عَلَي تَأْوِيلِهِ

(یعنی روزی چنان بود که شما را با شمشیر می‌زدیم تا به نزول قرآن چنانچه مرادالله است ایمان بیاورید، و امروز شما را با شمشیر

بادهای چهارگانه و وزشگاهها و تأثیرهای آن؛ (۴) کره زمین شکل آن و مطالبی که درباره مساحت و مقدار آبادی و مردم نشین آن گفته شده است؛ (۵) اقلیمهای هفتگانه و طول و عرض آن؛ (۶) قسمت کردن اقالیم بر ستارگان هفتگانه؛ (۷) اقلیم چهارم و صفت و فضل آن؛ (۸) دریاها و جهان. سپس بخش تاریخی کتاب آغاز می‌شود که مطالبی بدین گونه را فرا می‌گیرد: (۱) امتهای هفتگانه در روزگار باستان؛ (۲) پادشاهان ایران از گذشته دور تا ساسانیان؛ (۳) پادشاهان یونان؛ (۴) پادشاهان روم؛ (۵) تاریخ پیامبران و پادشاهان و سرگذشت ملتها؛ (۶) تاریخ اسلام، شامل زندگی پیامبر (ص)، خلفای راشدین، امویان و عباسیان تا زمان تألیف کتاب. *التنبيه و الاشراف* نخستین بار به سال ۱۸۹۳م در بریل به چاپ رسیده و سپس در ۱۳۵۷ق به تصحیح عبدالله اسماعیل صاوی در قاهره چاپ شده است. چاپ اخیر آن زیر نظر «کمیسون تحقیق میراث فرهنگی عرب» در ۱۹۸۱م در بیروت انجام یافته است. این کتاب را شادروان ابوالقاسم پاینده به فارسی ترجمه کرده است.

منابع: *الذریعة*، ۴۳۹/۴؛ *نهرست کتابهای چاپی عربی*، ۲۲۰.

محمد حسین روحانی

تندو ایلخانیه، تندو خانم (۸۲۲م) دختر حسین بن اویس

ایلخانی دارای زیبایی خارق و صاحب نفوذ و سلطان و مدیر و مدبر در امور سیاسی و اداره مملکت و عالم به فنون جنگ، وی در دربار پدرش و عمویش احمد تربیت یافت و در امور جنگ و اداره دولت مهارت و خبرویت داشت هنگام حمله تیمور لنگ به عراق وی نیز همراه عمویش احمد بن اویس به شام سپس به دیار مصر گریختند و با سلطان مصر الظاهر برقوق ازدواج نمود سپس از همسر مصری خود جدا شد و با پسر عمومی خویش شاه ولد فرزند شاهزاده بن اویس ایلخانی ازدواج نمود. و بعد مجدداً به بغداد بازگشت و پس از مرگ عمویش احمد بن اویس به کمک وی شوهرش شاه ولد ایلخانی قدرت را بدست گرفت و سلطان حکومت ایلخانیه گردید. پس از قتل شوهرش که سخاوی در کتاب *الضوء اللامع* تندو خانم را مقصر می‌داند خود قدرت حکومت را بدست گرفت و در این هنگام محمد شاه بن قرا یوسف به وی حمله نمود و خطه حکومت او را به محاصره خویش قرار داد و رقعه حکومت تندو خانم کوچک گردید. او به واسط رفت و نیز با ناپسری خود محمود بن شاه ولد قسمتی از جنوب عراق تا شوشتر را تصرف نمودند. سپس با حيله توانست ناپسری خود را به قتل برساند و خود مستقلاً سلطنت را بدست گیرد و این حوادث در سال ۸۱۹ق بود که بصره و جزیره و واسط تمامی در خطه سلطنت او بود و بالای منابر برای او دعا می‌کردند و خطبه را به نام وی می‌خواندند و سکه به اسم او می‌زدند. تندو خانم در ۸۲۲ق وفات یافت و او را به

Vahmy

بدء الوحي

أهله ويتزود لذلك، ثم يرجع إلى خديجة فيتزود لمثلها، حتى جاءه الحق وهو فى غار حراء، فجاءه الملك، فقال اقرأ: قال: ما أنا بقارئ، قال: فأخذنى فغطنى (أى ضمنى) حتى بلغ منى الجهد (التعب) ثم أرسلنى (أى أطلقنى) فقال: اقرأ، قلت: ما أنا بقارئ، فأخذنى فغطنى ثانية، حتى بلغ منى الجهد، ثم أرسلنى فقال: اقرأ، قلت ما أنا بقارئ، فأخذنى فغطنى الثالثة ثم أرسلنى فقال: ﴿اقرأ باسم ربك الذى خلق • خلق الإنسان من علق • اقرأ وربك الأكرم﴾ فرجع بها رسول الله ﷺ يرجف فؤاده.. (البخارى كتاب بدء الوحي، ومسلم ك الإيمان، باب بدء الوحي إلى رسول الله ﷺ).

من خلال الحديث السابق نرى أن بدء الوحي إلى رسول الله ﷺ مر بعدة مراحل منها:

أ - مرحلة الرؤيا الصادقة الصالحة فكان لا يرى رؤيا فى نومه إلا جاءت واضحة مثل فلق الصبح تماماً كما رآها، وكانت هذه المرحلة ليتهياً ﷺ لتلقى الوحي ويستعد لاستقباله.

قال القاضى عياض - رحمه الله تعالى - عن حكمة البدء بالرؤيا الصالحة به: «لئلا يفجأه الملك، ويأتيه صريح النبوة بغتة فلا

لغة: الوحي هو الإعلام فى خفاء وسرعة، فكل إعلام بشيء فى خفاء وسرعة يسمى وحياً، ولذلك جاز أن يكون هناك وحى لغير البشر، قال سبحانه ﴿وأوحى ربك إلى النحل أن اتخذنى من الجبال بيوتاً﴾ (النحل ٦٨).

كما جاز أن يكون هناك وحى لغير الأنبياء من البشر، كما قال سبحانه ﴿وأوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه﴾ (القصص ٧). وهذا الوحي لغير الأنبياء لا يكون بدين شرعى.

واصطلاحاً: إعلام خفى من الله تعالى لأنبيائه ورسله، بما يريد سبحانه أن يبلغوه إلى خلقه من كتب، وتعاليم شرعية بطريق من طرق الوحي الشرعية.

ولقد مر بدء الوحي برسول الله ﷺ بمراحل حتى جاءه الملك وهو يتعبد فى غار حراء كما جاء فى الحديث الصحيح عن عائشة أم المؤمنين رضى الله عنها قالت: أول ما بدئ به رسول الله ﷺ من الوحي الرؤيا الصالحة فى النوم، فكان لا يرى رؤيا إلا جاءت مثل فلق الصبح، ثم حيب إليه الخلاء، وكان يخلو بغار حراء فيتحنث فيه - وهو التعبد - الليالى ذوات العدد، قبل أن ينزع إلى

نظريّة الأبحاث بين المشرقين والمسلمين

للككتور صلاح الدين عبد الوهاب

Wahale "Mustasrik" posetm sedin Volany
مؤلفه دكتور صلاح الدين عبد الوهابGillaum وميليو Milliet الفرنسي ولا مانس
ووات Watt وغيرهم .فطيناً أن تم كثيراً بهذا التيار المعادي وأن
تتبع خطوات الإمام الشيخ محمد عبده في رد
هذا الهجوم بكل ما في الوسع من جهد .

وكان جعل ما اعتمد عليه المستشرقون في

رسالتهم الهدامة هو نقي أن الإسلام دين

موسى به من عند الله . أما طريقهم إلى هذا

الهدف فهو التشكيك في رسالة محمد بإثبات

بشرية القرآن ، وأنه كان يتصنع الوحي ،

أو أن ما كان يبدو عليه حين الوحي إنما هي

أعراض مرضى عصبي ، ثم أخيراً إلقاء الريب

في قلوب المسلمين عن طريق مناقشة موضوع

انعدام المعجزات للحسية على يد النبي صلى الله

عليه وسلم .

أولاً : إثبات بشرية القرآن :

ويقوم دليلهم المدعى على نظريتين :

النظرية الأولى : القرآن فيض من خاطر

محمد أو انطباع لإلهامه :

ومن القائلين بهذه النظرية المستشرق

المجرى اليهودى جولدسيهر إذ يقول إن محمداً

تأثره بالعناصر الأجنبية ، التي كانت تسود

والكندى . ثم قام هذا المكتب بعمل أول

ترجمة عرفت في التاريخ للقرآن وعرض

الأسقف كنيث kennett هذه الترجمة عام

1143 م على دكلينى لدراستها والرد عليها .

فكان هذا هو أول ما عرف عن الاستشراق

الغربي .

والاستشراق اليوم علم قائم بذاته . ففي كل

الجامعات الأجنبية الكبرى ، في إنجلترا

(كبريدج وأكسفورد ولندن وأدنبرة) وفي

فرنسا (باريس) وهولندا (ليدن وأستردام)

وألمانيا (هيدلبرج وميونخ وهامبورج)

وإيطاليا (روما) وأمريكا الشمالية (هارفارد

وكولمبيا ونيويورك وكورنل وكاليفورنيا

وشيكاغو وبيسل و برنستون) وفي كندا

(ماك جيل Mei Gill ومونتريال وتورنتو)

في كل هذه الجامعات وغيرها دراسات شرقية

منظمة تدار على نطاق واسع . لا يقصد منها

دراسة موضوعية للإسلام والعلوم الإسلامية

بقدر ما يقصد بها تصوير انقاط ضعف وهمية

في الإسلام والعلوم الإسلامية .

والكتب التي تؤلف اليوم في هذا النطاق

تخرج بالعشرات من أساتذة متخصصين وقفوا

في السيطرة على قلب البلاد الإسلامية ومشرق

الدعوة إلى هذا الدين الحنيف ، وهو الشرق

الأوسط ، وهدم كل آثار هذا الدين ونزع

تعاليمه من قلوب من يدنون به ، والحد من

تقدمه وانتشاره عن طريق استعباد بلاده

وأبنائه قبل أن يهدد انتشاره الكفيسية ،

ويعمل على تقويض أركانها .

ولم يتم للغربيين ما أرادوه . وفكسوا

على أعقابهم مدحورين بعد أن دارت رص

الحرب زهاء قرن من الزمان على قترات

متفاوتة .

ولكن هذا الروح لم تخمد في نفوس

رجال الكنيسة خاصة والغربيين عامة بل إنهم

حملوا للإسلام والمسلمين هذا الشعور الهدام

الذي ظهر واضحاً جلياً في الاستعمار الحديث

منذ القرن الثامن عشر .

وكان هدف هذا الاستعمار الغربي دائماً هو :

(1) إضعاف القيم الإسلامية ومحاولة

تشكيك المسلمين في دينهم .

(2) تمجيد القيم المسيحية ومحاولة العمل

على نشرها .

الاستشراق :

كانت أول مقدمات الاستشراق في التاريخ

هي الحروب الصليبية في القرنين العاشر

والحادى عشر الميلاديين ، إذ وجهت

الكنيسة في أوروبا الدعوى في جميع الدول

الأوروبية إلى المساعدة في تخليص بيت المقدس

من أيدي المسلمين ، وصورت لهم المغارة التي

ولد فيها السيد المسيح ، والبحيرة الرائقة التي

سار عليها ، والهيكل الذي خطب فيه ،

والأعشى الذي جعله مبصراً ، والمرأة التي

حبس نزيهاً ، فالجند يحيطون به والطريق

مخضباً بدمائه ، ثم أعمدة خشبية يجرها من

ورائه وقد جعلت لكي يصلب عليها ، وقد

تم صلبه ومات ليخلص البشر من خطاياهم

(هكذا يعتقدون) . أفيدع المسيحيون

كل ذلك لمحمد وجماعته ؟

ووشدت الحروب الصليبية وهي لم تكن

في حقيقتها وفي الباعث عليها حبا في تخليص

بيت المقدس ولا رغبة في استرداد قبر المسيح

وهيكله ، بقدر ما كانت خوفاً متأججا في

نفوسهم من الإسلام والمسلمين ، ورغبة

صارمی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ همو، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران، ۱۳۵۸ش؛ غروی نائینی، مهدی، «گفت‌وگو»، حوزة قم، ۱۳۷۵ش، س ۱۳، ش ۴ و ۵؛ کلینی، محمد، *الاصول من الکافی*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۸۸ق؛ مطهری، مرتضی، *نیضتهای اسلامی در صد ساله اخیر*، قم، ۱۳۶۳ش؛ نائینی، محمدحسین، *تنبیه الامة و تنزیه الملة*، به کوشش روح‌الله حسینیان، تهران، ۱۳۸۵ش؛ نوری، فضل‌الله، «حرمت مشروطه»، *رسائل مشروطیت* (کتاب اول)، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، ۱۳۷۴ش.

علی‌اکبر رنجبر کرمانی

تَنْجِيم، نک: نجوم، علم.

تَنْزِيل، مصدر باب تفعیل از ماده «نَزَلَ»، اصطلاحی ناظر به نزول قرآن کریم، و در دوره‌های متأخر نزول تدریجی آن. تنزیل همچنین نامی برای این کتاب آسمانی نیز هست.

پیشینه: اختلاف درباره کیفیت نزول قرآن و اینکه آیا قرآن کریم جز نزول تدریجی — که مسلم دانسته می‌شود — نزولی دفعی نیز داشته است، به پاره‌ای از آیات قرآن بر می‌گردد. در ۳ نمونه از آیات، از نزول قرآن کریم در زمانهای مشخص «ماه رمضان» (بقره/۲/۱۸۵)، «شب مبارک» (دخان/۳/۴۴) و «شب قدر» (قدر/۱/۷۹۷) سخن به میان آمده است و نمونه‌هایی نظیر «وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ» (اسراء/۱۷/۱۰۶) و «وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ جُمْلَةً وَّاجِدَةً...» (فرقان/۲۵/۳۲) نیز هستند که به گونه‌ای دیگر مسئله کیفیت نزول قرآن در آنها مطرح شده است. جز این آیات باید به حدیثی منسوب به پیامبر اکرم(ص) نیز اشاره کرد که بر طبق مضمون آن کتب آسمانی، و از جمله قرآن کریم در شبهای مشخصی از ماه رمضان نازل شده‌اند (ابوعبید، ۲۲۳؛ طبری، ۸۴/۲؛ ابن ابی حاتم، ۳۱۰/۱؛ بیهقی، ۲۳۴؛ ثعلبی، ۶۸/۲؛ سیوطی، الدرر، ۱/۱۸۹؛ برای روایت امامی این مضمون به نقل از امام صادق(ع)، نک: کلینی، ۶۲۹/۲؛ نیز ابن بابویه، ۱۰۲/۲، با اختلافی اندک).

نظریات مختلف درباره کیفیت نزول قرآن کریم در دو رده اصلی موافق و مخالف نزول دفعی طبقه‌بندی می‌شوند. در رده نخست نظریه شاخص و مشهور از ابن عباس است که بر اساس آن قرآن کریم در شب ۲۴ ماه رمضان یا همان شب مبارک و شب قدر به صورت یکپارچه بر آسمان دنیا، و سپس در طول ۲۰ سال به تدریج بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده است (طبری، ۸۴/۳-۸۵، ۱۶۶/۳-۱۶۷؛ ابن ابی حاتم، ۳۱۰/۱-۳۱۱؛ بیهقی، ۲۳۵؛ سیوطی، همانجا؛ برای روایت امامی این مضمون به نقل از امام صادق(ع)، نک: کلینی، همانجا).

نظریه دیگر این رده در واقع تفسیری بر نظریه ابن عباس است با این مضمون که در هر شب قدر از سالهای نبوت پیامبر اکرم(ص) آن مقدار از قرآن کریم که قرار بوده در طول سال

هنوز هم ارزش خود را از دست نداده «وصف کرده، در نقد سلطنت استبدادی به فقراتی از این کتاب استناد جسته است (ص ۳۵۶). علاوه بر روشن‌فکران، دیدگاههای نائینی مورد توجه و تأیید علمای دینی و فضلاء حوزه نیز بوده است (نک: طالقانی، ۱۷). دو رهبر اصلی نهضت مشروطیت ایران، شیخ محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، در تقریظهای کوتاه خود بر این کتاب بر این نکته تأکید داشته‌اند که «اصول و مبانی سیاسی اسلام» در آن رعایت شده است (نک: حسینیان، ۲۳؛ نیز مطهری، ۵۱).

طالقانی معتقد است که این کتاب «گرچه برای اثبات مشروعیت مشروطه نوشته شده، ولی اهمیت بیشتر آن به دست دادن اصول سیاسی و اجتماعی اسلام و نقشه و هدف کلی حکومت اسلامی است» (ص ۱۸). حمید عنایت تنبیه الامه را تنها رساله منظم و منسجم و شناخته‌شده‌ای می‌داند که توسط یک شخصیت مذهبی در دفاع از دموکراسی پارلمانی به رشته تحریر درآمده است (تفکر، ۱۷۹). فریدون آدمیت معتقد است که نائینی در این کتاب کوشیده است «تباین ذاتی میان سیاست مشروطیت غربی و سیاست دینی را از میان بردارد» (همانجا). همو «هشیاری ملی» نائینی را «خیره کننده» می‌داند (۲۳/۱).

اگرچه عده‌ای از اهل نظر معتقدند که نائینی در تحلیل و نقد استبداد دینی و استبداد سیاسی مستقیماً از کتاب *طبایع الاستبداد* کواکبی تأثیر پذیرفته (نک: حائری، ۲۲۳-۲۲۶؛ آدمیت، همانجا)، اما عنایت معتقد است که تنبیه الامه «بدیع‌تر و منظم‌تر» از *طبایع الاستبداد* است (سیری ... ۱۷۴).

گفته می‌شود که نائینی پس از مشاهده پیامدهای نهضت مشروطیت از آراء و نظراتش عدول کرد و به خواست و کمک وی نسخه‌های کتاب *تنبیه الامه* جمع‌آوری شد (در این باره، نک: طالقانی، ۱۶؛ امین، ۵۴/۶-۵۵؛ حرزالدین، ۲۸۶/۱). حائری این نظر را با استناد به گفته‌های فرزند نائینی و اشاره به شرایطی که نهضت مشروطیت بدان دچار شد، تأیید می‌کند (ص ۲۱۹-۲۲۰). اما طالقانی ضمن تأیید دلسردی نائینی از پیامدهای انقلاب مشروطه، این نظر را چندان درست نمی‌داند (ص ۱۶، ۱۷). مهدی غروی نائینی، فرزند دیگر نائینی نیز، قضیه جمع‌آوری نسخ کتاب را به کلی تکذیب کرده است و آن را «دروغ و شایعه» می‌داند (ص ۲۰).

مآخذ: آدمیت، فریدون، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران، ۱۳۵۵ش؛ امین، محسن، *اعیان الشیعه*، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ بازرگان، مهدی، *مجموعه آثار*، ج ۶ (مدافعات)، تهران، ۱۳۸۵ش؛ حائری، عبدالهادی، *تشیع و مشروطیت در ایران*، تهران، ۱۳۶۰ش؛ حرزالدین، محمد، *معارف الرجال*، قم، ۱۴۰۵ق؛ حسینیان، روح‌الله، مقدمه و تعلیقات بر *تنبیه الامه* (نک: هم، نائینی)، طالقانی، محمود، مقدمه و تعلیقات بر *تنبیه الامه* محمدحسین نائینی، تهران، ۱۳۳۴ش؛ عنایت، حمید، *تفکر نوین سیاسی اسلام*، ترجمه ابوطالب